

نقش دین، اخلاق و ایمان در معنادار کردن زندگی

سید میرزا حسین احسانی^۱

چکیده

این مقاله به بررسی نقش حیاتی دین، ایمان و اخلاق در معنادار کردن و رهایی انسان معاصر از پوچی زندگی می‌پردازد. در عصر حاضر، احساس بی‌هدفی و پوچی، چالشی جدی است که سلامت روان و رضایت از زندگی افراد را تهدید می‌کند. ما در این نوشتار، ابتدا با ارائه تعریف‌های متمایز از دین، ایمان و اخلاق، به تبیین جایگاه هر یک پرداختیم. سپس این فرضیه را مطرح نمودیم که دین با ارائه یک جهان‌بینی هدفمند، ایمان با تأمین آرامش، امید و انگیزه عمل صالح، یعنی تصدیق قلبی همراه با عمل، و اخلاق با سازماندهی روابط سازنده و مسیر کمال فردی، به‌طور هم‌افزا، معنایی والا و فراتر از لذت‌های مادی به هستی انسان می‌بخشند. نتیجه‌گیری مقاله بر این تأکید دارد که این سه مؤلفه، با ایجاد حس هدفمندی، تعلق و ارزشمندی، ابزارهایی قدرتمند برای مقابله با بحران معنا در زندگی مدرن و هدایت بشر به‌سوی یک زندگی هدفمند و رضایت‌بخش هستند.

کلیدواژه‌ها: زندگی، دین، معناداری، ایمان، اخلاق.

۱. طلبه سطح چهار فقه و اصول، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.



مقدمه

یکی از مسائلی که در عصر حاضر انسان را درگیر خود کرده و او را با چالش روبه‌رو ساخته، پوچی و بی‌هدفی زندگی است. احساس پوچی و بی‌هدفی در زندگی، تجربه‌ای است که بسیاری از افراد در مقاطع مختلف زندگی خود با آن مواجه می‌شوند. این احساس می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی، از جمله کمبود عزت‌نفس، تجربیات تلخ گذشته، مشکلات روحی و روانی، یا فقدان اهداف و معنا در زندگی باشد. در صورت مزمن شدن، این احساس می‌تواند منجر به افسردگی، اضطراب و سایر مشکلات روانی شود و موجب نارضایتی از زندگی گردد. از این رو، برای رهایی از حس پوچی در زندگی، باید به زندگی معنا بخشید تا از پیامدهای ناگوار آن در امان مانده، انگیزه و شوق برای استمرار زندگی پیدا شود. معنادار کردن زندگی، به‌معنای یافتن هدفی والا و ارزشمند برای زندگی است که فراتر از لذت‌های لحظه‌ای و مادی باشد. این امر با ایجاد حس هدفمندی، تعلق و ارزشمندی در زندگی حاصل می‌شود و دین، ایمان و اخلاق می‌توانند نقشی مؤثر و شایسته در معنابخشی و هدفمند کردن زندگی ایفا نمایند.

در این نوشته می‌خواهیم نقش دین، ایمان و اخلاق را در معنادار کردن و هدف بخشیدن به زندگی روشن نموده و به این پرسش پاسخ دهیم که آیا دین، ایمان و اخلاق می‌توانند بشر را از احساس پوچی رها ساخته و به زندگی معنا ببخشند؛ و اساساً نقش دین، ایمان و اخلاق در زندگی انسان مدرن و معناداری آن چه خواهد بود؟ بنابراین، پیش از پرداختن به موضوع، باید ابتدا دین، اخلاق، ایمان و زندگی را تعریف کنیم و سپس نقش آن‌ها را در معنادار کردن زندگی بررسی نماییم.

تعریف دین

برای دین، تعریف‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند و برخی میان دین و دینداری، و همچنین میان دین و ایمان، خلط می‌کنند؛ درحالی‌که ایمان و تدین با دین تفاوت دارد؛ زیرا تدین و ایمان، وصف انسان است، ولی دین حقیقتی پیام‌گونه است که خداوند آن را در اختیار انسان قرار می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ص. ۲۷). لذا برای پرهیز از خلط میان این مفاهیم، باید تعریف متمایزی از دین و ایمان ارائه شود.

برای دین، تعریف‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند که جامع‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. دین، مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ص. ۲۷).
۲. دین، متشکل از مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و احساسات فردی و جمعی است که حول مفهوم حقیقت غایی سامان یافته است (پترسون و دیگران، ۱۳۷۹، ص. ۲۰).
۳. دین، عقاید و دستورهای عملی و اخلاقی است که پیامبران از طرف خدا برای راهنمایی و هدایت بشر آورده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج. ۱، ص. ۱۵).

هریک از این سه، تعریفی است که متمایز از ایمان است و دارای وجوه مشترک اند، و ما در این نوشتار، تعریف اول را ترجیح می‌دهیم.

تعریف ایمان

برای ایمان نیز تعریف‌های مختلفی ارائه کرده‌اند که هرکدام بیانگر جنبه خاصی از ایمان است:

۱. «الإيمان ما وقر في القلوب و صدقته الأعمال» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج. ۵۰، ص. ۲۰۸). ایمان، جای‌گزینی اعتقاد در قلب و تصدیق آن با عمل است. به تعبیر دیگر، ایمان، تأیید و تصدیق عقیده با عمل است؛ به این معنا که ایمان زمانی تحقق می‌یابد که اعتقاد قلبی در رفتار انسان نمود پیدا کند و جلوه‌گر باشد.

۲. ایمان عبارت است از اعتماد و اطمینان قلبی کامل به یک شخص، یک مطلب، یک مسلک، یک دین و... (بهشتی و دیگران، ۱۳۷۰، ص. ۲۷).

۳. ایمان، اذعان و تصدیق به چیزی و التزام به لوازم آن است (طباطبایی، ۱۳۷۳، ج. ۱۵، ص. ۶).

۴. ایمان، حالت دل‌بستگی واپسین است (تیلیخ، ۱۳۷۵، ص. ۱۶).

در این میان، پیامبر گرامی اسلام (ص) اعتقاد و پذیرش قلبی را از ارکان ایمان، و اقرار زبانی و عمل بر مبنای عقیده را لازمه و مقوم ایمان شمرده و فرموده‌اند: «الإيمان عقدٌ بالقلب، و نطقٌ باللسان و عملٌ بالأركان» (طوسی، ۱۴۱۴، ص. ۴۵۱)؛ ایمان، اعتقاد قلبی و گفتار زبانی و عمل به اعضای بدن است.

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) نیز بیانی نزدیک به همین مضمون از ایمان دارد و ایمان را از سنخ معرفت می‌داند، اما معرفت قلبی‌ای که اقرار به زبان و عمل به اعضا، دو ویژگی آن است، و می‌فرماید: «الإيمان معرفةٌ بالقلب، و إقرارٌ باللسان و عملٌ بالأركان» (آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۹۳۸)؛ یعنی ایمان، معرفت قلبی و اقرار زبانی و عمل به اعضا و جوارح است.

ملاحظه می‌شود که در اکثر تعریف‌های مذکور، معرفت و تصدیق قلبی از لوازم ذاتی و از ارکان ایمان به شمار می‌رود و لازمه ایمان در حد یقین را علم و معرفت می‌دانند. ایمان، حلقه وصل معرفت و عمل است. اگر دل رنگ ایمان به خود بگیرد، قطعاً در رفتار شخص تأثیر خواهد گذاشت و نمود پیدا خواهد کرد.

تعریف اخلاق

اخلاق، جمع خُلق و خَلق است، به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن، که به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود؛ در مقابل خَلق که به صورت ظاهری انسان گفته می‌شود و با چشم قابل رؤیت است (زبیدی، بی‌تا، ج. ۲۵، ص. ۲۷۵).

به‌طور کلی می‌توان گفت اخلاق، به مجموعه اصول، هنجارها و ارزش‌هایی گفته می‌شود که رفتار انسان‌ها را بر اساس خوب و بد بودن قضاوت می‌کنند و شامل صفات و ملکات نفسانی است که فرد را به سمت سعادت یا شقاوت سوق می‌دهد.



تعریف زندگی

یکی از مهم‌ترین عوامل و رازهای معناداری زندگی، در تعریف و هدف زندگی نهفته است؛ اینکه ما چه تعریفی از زندگی داشته باشیم و با چه دیدگاهی به زندگی نظر کنیم و هدف‌های ما در زندگی چیست؟ خوش‌بختی را در چه می‌بینیم؟ و نگاه ما به دنیا و زندگی مادی و دنیوی چیست و چه توقعاتی از دنیا داریم؟ این‌ها نقش مهمی در معنادار کردن زندگی دارد.

هرچند تعریف واضح، روشن و مشخصی از زندگی وجود ندارد که مورد قبول همگان باشد، اما هر فرد و گروهی با نگاه خود به زندگی می‌تواند برای خود تعریفی از زندگی ارائه کند؛ زیرا وقتی چارچوب، سبک زندگی و شرایط زیستن هر فردی با دیگران متفاوت است، بنابراین معانی مختلفی نیز برای زندگی بیان می‌شود و هرکسی از زاویه دید و نگاه خود به زندگی، آن را تعریف و معنا می‌کند.

طریحی در مجمع البحرین حیات را این‌گونه تعریف کرده است: «و الحیة حركة کما أن الموت سکون»؛ زندگی، حرکت است، چنان‌که مرگ، سکون است (طریحی، ۱۳۷۵، ج. ۱، ص. ۱۱۵).

امام علی (ع) زندگی را در پیروزی و غلبه بر دشمن، و مرگ را در شکست و مقهور بودن معنا کرده و می‌فرماید: «فَالْمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ وَ الْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ» (سیدرضی، ۱۳۸۷، ص. ۸۹)؛ مرگ در زندگی شماسست، اگر مقهور دشمن باشید، و زندگی در مرگ شماسست، اگر پیروز و غالب باشید.

نقش دین در معنادار کردن زندگی

پوچی و بی‌هدفی در زندگی و احساس نارضایتی، غالباً از نگاه انسان به دنیا و زندگی مادی و دنیوی نشئت می‌گیرد؛ شکست‌ها، سختی‌ها، مرارت‌ها و کوتاهی زندگی دنیوی و فانی بودن دنیا، موجبات یأس و نارضایتی از زندگی را فراهم می‌آورد. از این‌رو، دین نقش مهمی در معنادار کردن زندگی انسان ایفا نموده و با ارائه چارچوبی از ارزش‌ها، باورها و اصول، نگاه انسان را به زندگی تغییر داده و به افراد کمک می‌کند تا درک بهتری از هدف و معنای زندگی خود پیدا کنند و در مواجهه با چالش‌ها و مسائل زندگی، احساس آرامش و امیدواری بیشتری داشته باشند.

راهکارهای دین برای معنابخشی به زندگی از قرار ذیل است:

الف) ایجاد هدف و معنا

در زندگی مادی و حیوانی، تنها هدف زندگی، خوردن، آشامیدن و لذت بردن از مواهب زندگی است و این هدف، در مواجهه با کوچک‌ترین مشکلات در مسیر زندگی، با چالش مواجه شده و باعث نارضایتی از زندگی و عدم انگیزه می‌شود؛ زیرا انسان احساس می‌کند که دنیا و زندگی مادی، ارزش تحمل این همه سختی و مرارت را ندارد و دچار پوچی می‌شود. اما دین به انسان‌ها کمک می‌کند تا اهدافی فراتر از نیازهای مادی و دنیوی برای زندگی خود تعیین کنند؛ زیرا از نگاه دین، دنیا گذرگاهی موقت است؛ چنان‌که امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ الدُّنْيَا مَثَرٌ لِقُلُوعَةٍ وَ لَيْسَتْ بِدَارِ نُجْعَةٍ، حَيْزُهَا زَهِيدٌ وَ سَرُّهَا عَتِيدٌ، وَ مُلْكُهَا يُسَلَبُ وَ عَامِرُهَا يُحْرَبُ» (آمدی، ۱۳۶۶،

ص. ۱۳۲)؛ همانا دنیا منزلی است که هر لحظه باید آماده کوچ از آن بود و جایگاه اقامت نیست؛ خوبی آن اندک، و بدی‌اش آماده است؛ حکومتش رو به نیستی، و آبادی‌اش رو به ویرانی است. با اعتقاد به اصول و ارزش‌های دینی، افراد می‌توانند در جهت تعالی و پیشرفت خود و کمک به دیگران گام بردارند و زندگی خود را با معنا و هدف ببینند.

ب) راهنمای اخلاقی

دین، علاوه بر اصول اعتقادی و احکام عملی، مجموعه‌ای از قوانین، اصول و توصیه‌های اخلاقی را نیز ارائه می‌دهد که به انسان‌ها در تصمیم‌گیری‌های درست در زندگی کمک می‌کند. این اصول به افراد کمک می‌کنند تا در روابط خود با دیگران و در مواجهه با مشکلات، رفتاری منصفانه و درست داشته باشند. رعایت این اصول اخلاقی و پایبندی به آن‌ها، زندگی انسان را با ارزش و هدفمند می‌سازد.

ج) آرامش روحی و روانی

سختی‌ها، فقر، جنگ و ناامنی موجب اضطراب در زندگی شده و انگیزهٔ تداوم زندگی را از انسان می‌گیرد؛ از این رو، دین می‌تواند منبعی برای آرامش و امیدواری در زندگی باشد. با ارتباط با خداوند یا نیروهای ماورایی، افراد می‌توانند در مواقع سختی و اضطراب، آرامش و اطمینان خاطر پیدا کنند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸)؛ آنان که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرامش می‌یابد. آگاه باشید که دل‌ها به یاد خدا آرامش می‌یابد.

اعتقاد به اینکه دنیا محل گذر است و سکونت‌گاه دائمی نیست، به انسان آرامش داده و تحمل سختی‌ها را بر او آسان می‌کند. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «إِنَّ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا ضَيْفٌ وَ مَا فِي آبْدِيهِمْ عَارِيَةٌ، وَ إِنَّ الضَّيْفَ زَاجِلٌ وَ إِنَّ الْعَارِيَةَ مَزْدُودَةٌ» (دیلمی، ۱۴۱۲، ج. ۱، ص. ۲۳)؛ همانا مردم در دنیا مهمان‌اند و آنچه در دستشان است، امانت است، و به‌راستی که مهمان رفتنی و امانت بازگرداندنی است.

د) هویت‌بخشی و انسجام شخصیت

یکی از معضلات انسان معاصر، بحران هویت است. این سؤال‌ها که انسان چیست؟ هدف از خلقت انسان چیست؟ از کجا آمده است و به کجا خواهد رفت؟ انسان را به نوعی دچار سرگشتگی می‌کند. دین و اخلاق، معیار تمایز انسان از جانداران دیگر است و این دین و اصول اخلاقی است که انسان را از حیوانات دیگر متمایز کرده و به او هویت انسانی می‌بخشد. دین به افراد کمک می‌کند تا در قدم اول، خود را بشناسند و درک بهتری از خود و جایگاه خود در جهان داشته باشند و در قدم دوم، با روشن نمودن هدف خلقت و هدف زندگی، هویتی متعالی به او ببخشند و بفهماند که او کیست و چیست و از کجا آمده و به کجا خواهد رفت و بیهوده آفریده نشده است. قرآن کریم می‌فرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون/۱۱۵)؛ آیا پنداشته‌اید که شما را بیهوده و عبث آفریدیم و اینکه به‌سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟



همچنین، دین می‌تواند به ایجاد تعادل و انسجام در شخصیت انسان کمک کند و از سردرگمی و آشفتگی جلوگیری نماید.

ه) کاهش اضطراب و افسردگی

فقر، تنگ‌دستی و دشواری‌های زندگی موجب ایجاد اضطراب و افسردگی در انسان شده و زندگی را برای او بی‌معنا می‌سازد. از این رو، دین و آموزه‌های دینی، مانند صبر در برابر مشکلات و اینکه دنیا دار فانی است: «الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ وَ الْآخِرَةُ دَارٌ مَقَرٌّ» (صدوق، ۱۳۶۳، ص. ۲۱۹)؛ دنیا محل گذر است، نه جای ماندن؛ و از دنیا انتظار بهشت را نباید داشت که هر چه را اراده کنیم، همان محقق شود. «و فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (زخرف/۷۱)؛ در بهشت، هر آنچه دل‌ها بخواهند و چشم‌ها از آن لذت ببرند، موجود است و شما در آنجا جاودانه خواهید بود. این آموزه‌ها با ارائه امید و معنا به زندگی، می‌توانند به کاهش اضطراب و افسردگی کمک کنند. باورهای دینی می‌توانند به افراد کمک کنند تا با چالش‌های زندگی بهتر کنار بیایند و از ناامیدی و پوچی دوری کنند.

و) ایجاد و تقویت روابط اجتماعی

یکی از مشکلات انسان معاصر، تنهایی است. زندگی مدرن و صنعتی، فردگرایی، فرو رفتن در دنیای مجازی و دور شدن از دنیای حقیقی، انسان معاصر را به شدت تنها کرده است و روابط اجتماعی و عاطفی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده است که این خود عاملی برای بی‌معنایی و عدم رضایت از زندگی است. لذا دین می‌تواند به ایجاد پیوند و هم‌بستگی میان افراد یک جامعه کمک کند. ارزش‌ها و اصول مشترک و آموزه‌های دینی، مانند مدارا، مروت، تواضع، حسن خلق و تعاون، می‌توانند افراد را دور هم جمع کنند و حس تعلق و همدلی را در آن‌ها تقویت نمایند. همچنین قرآن کریم مؤمنان را برادر یکدیگر خوانده و توصیه می‌کند که در صورت قهر بودن با هم، میان آن‌ها آشتی برقرار کنید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات/۱۰)؛ مؤمنان برادر یکدیگرند، پس میان دو برادر خود صلح و آشتی برقرار کنید. خداوند در این آیه شریفه به مؤمنان توصیه می‌کند تا بین دو مسلمانی که با هم قهر هستند، آشتی برقرار نمایند که این توصیه، در تقویت روابط اجتماعی بسیار مهم است.

ز) شکرگزاری

یکی از شاخصه‌های زندگی موفق، شکرگزاری است. سپاسگزاری و قدردانی، مانند یک قانون جهانی عمل می‌کند که بر تمام جوانب زندگی احاطه دارد (برن، ۱۴۰۰، ص. ۱۵). انسان طبعاً خواستار افزایش نعمت‌ها و بهره‌مندی از امکانات و مواهب الهی است و تمایل دارد که زندگی خود را توسعه بخشد، و بهترین راه افزایش نعمت، سپاسگزاری است (پسندیده، ۱۳۸۴، ص. ۱۳۳). خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم/۷)؛ اگر شکرگزار باشید، بر نعمت‌های شما می‌افزایم، و اگر

ناسپاسی کنید، عذاب من شدید خواهد بود. پس نتیجه می‌گیریم که شکرگزاری، هم باعث افزایش نعمت می‌شود و هم یادآوری نعمت‌های الهی، موجب آرامش روحی و رضایت‌مندی از زندگی خواهد شد. به‌طور خلاصه، دین با ارائه چارچوبی برای زندگی، باورها و ارزش‌ها، به انسان‌ها کمک می‌کند تا معنایی عمیق‌تر و روشن‌تر برای زندگی خود بیابند و در مواجهه با چالش‌ها، احساس آرامش و امیدواری بیشتری داشته باشند.

نقش اخلاق در معنادار کردن زندگی

اخلاق نقش اساسی در معنا بخشیدن به زندگی دارد. با رعایت اصول اخلاقی، فرد می‌تواند به آرامش درونی، روابط سالم‌تر و احساس هدفمندی در زندگی دست یابد. همچنین، اخلاق در سطح جامعه نیز به ایجاد نظم، عدالت و پیشرفت کمک می‌کند.

راهکارهای اخلاق برای معنا بخشی به زندگی از قرار ذیل است:

الف) آرامش ذهن و درون

رعایت اصول اخلاقی، به‌ویژه مروت، مدارا و حُسن خُلق، نقش مهمی در ایجاد آرامش و رضایت درونی انسان دارد. زمانی که فرد با وجدانی آسوده و مطابق با ارزش‌های اخلاقی خود زندگی می‌کند، احساس آرامش و شادی بیشتری را تجربه می‌کند و این مسئله موجبات رضایت‌مندی او از زندگی را فراهم می‌آورد. خواجه شمس‌الدین محمد حافظ در این زمینه می‌گوید:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت، با دشمنان مدارا (حافظ، ۱۳۸۴، ص. ۱۸)

ب) ایجاد روابط سالم در اجتماع

نقش اخلاق و رعایت موازین اخلاقی در روابط انسانی و اجتماعی، بسیار حیاتی است. صداقت، انصاف، احترام، تواضع، بردباری، مدارا، مروت و مهربانی، از جمله اصول اخلاقی هستند که به ایجاد روابط دوستانه، قوی، پایدار و رضایت‌بخش میان انسان‌ها کمک می‌کنند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «حُسْنُ الْخُلُقِ مَجْلِبَةٌ لِمَوَدَّةٍ» (حرانی، ۱۴۰۴، ص. ۳۵۶)؛ اخلاق نیکو، محبت دیگران را جلب می‌کند. در مقابل، عدم رعایت اصول اخلاقی می‌تواند منجر به تضاد، سوءتفاهم و در نهایت آسیب به روابط شود.

ج) احساس هدفمندی

اصول و ارزش‌های اخلاقی به انسان کمک می‌کند تا معنا و هدف والاتری را در زندگی خود جست‌وجو نماید. زمانی که فرد به دنبال کارهای خیرخواهانه، خدمت به دیگران و پیشرفت معنوی است، زندگی‌اش معنای بیشتری پیدا می‌کند و انسان احساس ارزشمندی و مفید بودن کرده و زندگی برایش لذت‌بخش می‌گردد و انگیزه بیشتری برای تداوم زندگی پیدا می‌کند. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «حَيْزُ النَّاسِ مَنْ اِتَّقَعَ بِهِ النَّاسُ» (دلمی، ۱۴۰۸، ص. ۳۲۲)؛ بهترین مردم کسی است که نفعش به مردم برسد. در روایتی تأمل‌برانگیز



از رسول خدا(ص) آمده است: «حَصَلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الْخَيْرِ شَيْءٌ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَ التَّقِيُّ لِعِبَادِ اللَّهِ» (کراجکی، ۱۳۹۴، ص. ۲۵)؛ دو خصلت از هر خیری برترند: ایمان به خدا و خدمت به بندگان خدا.

د) پیشرفت فردی و افزایش رزق و روزی

اخلاق، چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی، به پیشرفت فردی و توسعه کمک می‌کند و موجب افزایش رزق و روزی انسان می‌شود. روایات زیادی از پیامبر اسلام و امامان شیعه در این زمینه وجود دارد. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «وَفِي سَعَةِ الْأَخْلَاقِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج. ۸، ص. ۲۲)؛ گنج‌های رزق در اخلاق خوب نهفته است. امام سجاده(ع) می‌فرماید: «حُسْنُ الْخُلُقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ» (نوری، ۱۴۰۸، ص. ۴۴۵)؛ اخلاق نیکو موجب زیادی روزی می‌شود.

توسعه اقتصادی و افزایش رزق و روزی، موجب رضایت‌مندی در زندگی شده و به انسان انگیزه می‌دهد.

ه) کاهش آسیب‌های اجتماعی

عدم رعایت اخلاق و موازین اخلاقی می‌تواند منجر به انواع آسیب‌ها و مشکلات در جامعه شود. ضعف اخلاقی، به‌ویژه فقدان حسن خلق، یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش آسیب‌های اجتماعی است. از جمله این آسیب‌ها می‌توان به ناامنی، جرم و جنایت، فقر، طلاق، خشونت، بزهکاری، بیکاری و اختلافات اجتماعی اشاره کرد. امام صادق(ع) می‌فرماید: «سِنَّةٌ لَا تَكُونُ فِي الْمُؤْمِنِ: الْعُسْرُ وَ التَّكْدُّ وَ اللَّجَاجَةُ وَ الكِبْذُ وَ الْحَسَدُ وَ الْبَغْيُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج. ۱۵، ص. ۳۴۹)؛ شش خصلت در مؤمن نیست: سخت‌گیری و کارشکنی، لجبازی، دروغ‌گویی، حسدورزی و ستمکاری. این شش خصلت می‌توانند از عوامل ایجاد آسیب‌های اجتماعی همچون خشونت، کینه و اختلافات اجتماعی شوند.

همچنین امام صادق(ع) در پاسخ به سؤالی در مورد حد حسن خلق می‌فرماید: «تَلِيْنُ جَانِبِكَ وَ تَطْيِيبُ كَلَامِكَ وَ تَلْقَى أَهْلَكَ بِبِشْرِ حَسَنِ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج. ۴، ص. ۴۱۳)؛ با نرمی با اطرافیان رفتار کن، نیکو سخن بگو و با چهره‌ای گشاده با برادران مؤمن ملاقات کن. نرمی در رفتار با اطرافیان، نیکو سخن گفتن، و با چهره‌ای گشاده و خوش‌رویی برخورد کردن با دیگران، هم باعث برقراری ارتباط سالم و هم موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

پس نتیجه می‌گیریم که اخلاق‌مداری و پای‌بندی به اصول اخلاقی، با کاهش این آسیب‌ها، به ایجاد جامعه‌ای سالم‌تر و امن‌تر کمک می‌کند و این مسئله به ایجاد رضایت در زندگی منجر خواهد شد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که اخلاق نه‌تنها به فرد کمک می‌کند تا زندگی معنادارتری داشته باشد، بلکه به ایجاد جامعه‌ای سالم‌تر، امن‌تر و پیشرفته‌تر نیز کمک می‌کند که موجبات رضایت جمعی از زندگی را فراهم می‌آورد.

نقش ایمان در معنادر زندگی

ایمان نقشی اساسی در معنابخشی به زندگی دارد که با ایجاد جهان‌بینی هدفمند و معنادار، به زندگی جهت می‌دهد و از احساس پوچی و سردرگمی می‌کاهد. ایمان، چارچوب‌هایی برای درک جهان و جایگاه انسان در آن ارائه می‌دهد و به فرد کمک می‌کند تا با چالش‌های زندگی بهتر کنار آمده و به اهداف والاتر و عمیق‌تری دست یابد.

راهکارهای ایمان در معنابخشی به زندگی به شرح زیر است:

الف) ارائه چارچوب و معنا

ایمان، به‌عنوان یک نظام اعتقادی، به انسان‌ها کمک می‌کند تا جهان را بهتر درک کنند و معنایی برای زندگی خود بیابند. این چارچوب‌ها می‌توانند شامل باور به خدا، معاد، هدفمند بودن خلقت، وجود یک نظم اخلاقی در جهان و پاداش اخروی باشد که به انسان قدرت تحمل، امید به آینده و توانایی کنار آمدن با سختی‌ها را می‌بخشد. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا» (کهف/۳۰)؛ کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، بدانند که ما پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم.

وَعِدَةُ پاداش عظیم: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (مائده/۹) و نیز وعده نعمت‌های بی‌پایان و ابدی در زندگی جاوید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا» (نساء/۱۲۲)، به زندگی انسان هدف و معنا می‌بخشد.

ب) کاهش اضطراب و ناامیدی

ایمان به انسان آرامش و اطمینان می‌بخشد، به‌خصوص در مواجهه با نامالایمات و بحران‌ها. ایمان به خدا و اتکا به قدرت او، انسان را در برابر نامالایمات مقاوم می‌سازد و به او قدرت تحمل و پشتکار می‌دهد. زمانی که انسان به وجود یک قدرت برتر یا یک نظم الهی ایمان دارد و باور دارد که بدون هدف خلق نشده، می‌تواند با امیدواری بیشتری به زندگی و آینده نگاه کند و از اضطراب و ناامیدی فاصله بگیرد. ایمان به خالق هستی و قدرت مطلق او، و توکل بر خداوند رحمان و رحیم، موجب آرامش و کاهش اضطراب می‌شود؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا» (زمر/۳۶) که بیانگر نقش اطمینان و توکل انسان به خداوند است و آرامش را به انسان مؤمن هدیه می‌دهد.

در آیه دیگری، ایمان و عمل صالح را مایه آرامش انسان دانسته و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۲۷۷)؛ کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای نیکو کرده‌اند و نماز خوانده‌اند و زکات داده‌اند، اجرشان نزد پروردگارشان است؛ نه بیمناک می‌شوند و نه غمگین.



امام علی(ع) ایمان را مایه آرامش و امنیت دانسته و می‌فرماید: «الإیمانُ أمانٌ» (آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۱۳۷)؛ یعنی ایمان، امنیت و آرامش است.

ج) تقویت انگیزه و هدفمندی

ایمان به انسان هدف و انگیزه می‌دهد. باور به اینکه زندگی فراتر از مسائل مادی روزمره و زودگذر است و دارای هدفی متعالی است، می‌تواند به فرد کمک کند تا در زندگی خود به دنبال اهداف بزرگ‌تری باشد و برای رسیدن به آن‌ها تلاش کند. ترسیم اهداف بزرگ‌تر و تلاش برای رسیدن به آن‌ها، به انسان امید و انگیزه زیستن داده و به زندگی هدف و معنا می‌بخشد.

د) افزایش تحمل و بردباری

ایمان به انسان قدرت تحمل سختی‌ها و مشکلات را می‌دهد. زمانی که فرد به وجود یک قدرت ماورایی یا یک پشتوانه معنوی ایمان دارد، می‌تواند در برابر مشکلات و سختی‌ها مقاوم‌تر باشد و از آن‌ها به‌عنوان فرصتی برای رشد و تعالی استفاده کند.

ه) حفظ و بهبود روابط اجتماعی

ایمان به ایجاد پیوندهای اخلاقی و عاطفی بین افراد کمک می‌کند. زمانی که افراد در یک جامعه به ارزش‌های مشترکی ایمان دارند، می‌توانند با یکدیگر متحد شوند و در کنار هم برای رسیدن به اهداف مشترک تلاش کنند.

و) افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس

یکی از مسائل بحران‌زا برای انسان‌ها، عدم اعتماد به نفس و همچنین نداشتن عزت نفس است که باعث ناامیدی در زندگی و در نتیجه، عدم رضایت‌مندی از زندگی می‌گردد. اما باورهای مثبت ناشی از ایمان، به انسان اعتماد به نفس و قدرت بیشتری در مواجهه با مشکلات می‌بخشد و او را قادر می‌سازد تا تصمیمات بهتری برای زندگی خود بگیرد که رضایت از زندگی را در پی داشته باشد. امام صادق(ع) در این زمینه فرموده‌اند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَنْ يَخَافُهُ كُلُّ شَيْءٍ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ عَزِيزٌ فِي دِينِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُ مِنْ شَيْءٍ وَ هُوَ عَلَامَةُ كُلِّ مُؤْمِنٍ» (صدوق، بی‌تا، ص. ۳۵)؛ همه موجودات از مؤمن می‌ترسند؛ زیرا مؤمن با دین خدا عزت یافته است و او از چیزی نمی‌ترسد و این از علائم هر مؤمن است.

ز) ایمان به معاد

ایمان به معاد و زندگی جاوید در آخرت، و فانی بودن دنیا، یعنی باور به اینکه دنیا محل گذر است نه جای آسایش و راحتی، و اینکه سختی‌ها در دنیا اجتناب‌ناپذیرند و اصلاً دنیا محل سختی‌ها و بلاهاست، و اعتقاد به حیات اخروی با نعمت‌های فراوان و بی‌پایان، باعث می‌شود که انسان نسبت به مادیات کمرغبت شده و تحمل سختی‌ها بر او آسان گردد.

کسی که دنیای ناپایدار را آن گونه که هست بشناسد و واقعیت‌های آن را قبول کند، بدون شک از دنیا دل‌کنده و به حیات اخروی و جاوید علاقه‌مند می‌گردد. امام علی (ع) شناخت حقیقت دنیا را موجب روی‌گردانی از آن دانسته و می‌فرماید: «ثَمَرَةُ الْمَعْرِفَةِ الْعُرُوفُ عَنْ دَارِ الْفَنَاءِ» (آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۶۳)؛ میوه شناخت، دل‌کندن از دنیای فانی است. امام سجاد (ع) نیز در مورد زهد و عدم دلبستگی به دنیا چنین می‌فرماید: «وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ مَصَائِبُهَا وَ لَمْ يَكْرَهْهَا، وَ إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِعِبَادًا قُلُوبُهُمْ مُعَلَّقَةٌ بِالْآخِرَةِ وَ تَوَابِعُهَا، وَ هُمْ كَمَنْ رَأَى أَهْلَ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ مُخَلَّدِينَ مُنْعَمِينَ، وَ كَمَنْ رَأَى أَهْلَ النَّارِ فِي النَّارِ مُعَذِّبِينَ» (مجلسی، ۱۹۸۴، ج. ۵۷، ص. ۱۴۰)؛ کسی که از دنیا روی‌گرداند، مصیبت‌های آن بر او آسان می‌شود و از آن‌ها ناراحت نمی‌شود. همانا خداوند متعال بندگان دارد که دل‌هایشان به آخرت و پاداش‌های آن بسته است. آنان مانند کسانی هستند که اهل بهشت را در بهشت دیده‌اند که جاودانه در نعمت‌اند، و مانند کسانی هستند که اهل جهنم را در جهنم در حال عذاب دیده‌اند.

بنابراین، ایمان به معاد و حیات اخروی، نقش پررنگی در معنادار کردن زندگی انسان ایفا کرده و تحمل مشکلات و سختی‌ها را بر انسان آسان نموده و به رضایت‌مندی از زندگی منجر می‌گردد. به‌طور خلاصه، ایمان به‌عنوان یک نیروی درونی قدرتمند، به انسان کمک می‌کند تا زندگی خود را معنادارتر و هدفمندتر نموده و با آرامش و رضایت‌مندی بیشتری سپری کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با تحلیل آیات قرآن کریم، روایات معصومان (ع) و منابع معتبر کلامی و اخلاقی، نشان داد که دین، اخلاق و ایمان، سه مؤلفه بنیادین در فرایند معنادار ساختن زندگی انسان معاصر هستند. بررسی مبانی نظری و شواهد متنی نشان می‌دهد که دین، با ارائه یک جهان‌بینی منسجم مبتنی بر هدفمندی خلقت، معاد و نظام اخلاقی الهی، چارچوبی فراگیر برای تفسیر هستی و مواجهه با واقعیت‌های پیچیده زندگی فراهم می‌آورد. چنین جهان‌بینی‌ای، با ایجاد حس جهت‌مندی و کاهش سردرگمی، توان فرد را در مواجهه با بحران‌های پویا و بی‌هدفی تقویت می‌کند و به او امکان می‌دهد رنج‌ها و چالش‌های زندگی را در پرتو مفهومی وسیع‌تر معنا کند.

از سوی دیگر، اخلاق، به‌مثابه نظامی از هنجارهای رفتاری و فضایل انسانی، نه تنها به بهبود روابط اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی منجر می‌شود، بلکه با آرام‌سازی درونی، ایجاد نظم رفتاری و افزایش احساس ارزشمندی، ادراک فرد از کیفیت زندگی را ارتقا می‌دهد. شواهد متنی بررسی‌شده نشان داد که رعایت فضایل اخلاقی، همچون صداقت، مدارا و نیک‌خواهی، نقش مهمی در کاهش تعارضات اجتماعی، افزایش هم‌بستگی و تجربه رضایت‌مندی دارد.

ایمان نیز، به‌عنوان متغیری روان‌شناختی-معنوی، کارکردی دوگانه دارد: نخست، ایجاد آرامش، اطمینان و امید از طریق اتکا به قدرت ماورایی؛ و دوم، فراهم‌سازی معنا، انسجام هویتی و افزایش تاب‌آوری در برابر



ناکامی‌ها و فشارهای زندگی. باور به معاد و فهم فناپذیری دنیا نیز، بر اساس آموزه‌های دینی، درک فرد را از رنج و دشواری متحول می‌سازد و زمینه‌ساز شکل‌گیری نگرشی پایدار، هدفمند و آینده‌گرا می‌شود. در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ترکیب دین، اخلاق و ایمان، منظومه‌ای هماهنگ برای مواجهه با بحران معنایی انسان معاصر پدید می‌آورد؛ منظومه‌ای که با تقویت آرامش درونی، انسجام شخصیتی، افزایش امید و جهت‌داری زندگی، و نیز کاهش اضطراب، افسردگی و آسیب‌های اجتماعی، می‌تواند کیفیت زندگی و رضایت‌مندی وجودی فرد را به‌طور معنادار ارتقا دهد. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که آموزه‌های دینی، در هم‌افزایی با نظام اخلاقی و تجربه ایمانی، ظرفیت آن را دارند که تبیینی کارآمد از معنای زندگی ارائه کنند و مسیر حرکت انسان را به‌سوی خودباوری، کمال و زیست هدفمند هموار سازند.

منابع

- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی. (۱۳۶۶). غررالحکم و درر الکلم. قم: انتشارات دفتر تبلیغات. برن، راندا. (۱۴۰۰). معجزه شکرگزاری (ترجمه فرزانه شیخ الاسلامی و فریبا شیخ الاسلامی). تهران: نگاه آشنا. بهشتی، سید محمد، و دیگران. (۱۳۷۰). شناخت اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. پتerson، مایکل، و دیگران. (۱۳۷۹). عقل و اعتقادات دینی (ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی). تهران: طرح نو. پسندیده، عباس. (۱۳۸۴). رضایت از زندگی. قم: دارالحديث. تیلیخ، پل. (۱۳۷۵). پویایی ایمان (ترجمه حسین نوروزی). تهران: انتشارات حکمت. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۲). دین شناسی. قم: مرکز نشر اسراء. حافظ، شمس الدین محمد. (۱۳۸۴). دیوان حافظ. تهران: انتشارات ارمغان طویی. حرانی، حسن بن شعبه. (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: انتشارات جامعه مدرسین. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (ج. ۱۵). قم: مؤسسه آل البيت. دیلمی، حسن بن ابی الحسن. (۱۴۰۸ق). اعلام الدین فی صفات المؤمنین. قم: مؤسسه آل البيت. دیلمی، حسن بن ابی الحسن. (۱۴۱۲ق). ارشاد القلوب إلى الصواب (ج. ۱). قم: شریف رضی. زبیدی، محمد مرتضی. (بی تا). تاج العروس من جواهر القاموس (ج. ۲۵). بیروت: دار الهدایة. سیدرضی، محمد بن حسین. (۱۳۸۷ق). نهج البلاغه (با تعلیق صبحی صالح). بیروت: دارالکتب اللبنانی. صدوق، محمد بن علی. (۱۳۶۳). الأمالی. تهران: انتشارات کتابخانه اسلامیة. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (ج. ۴). قم: انتشارات جامعه مدرسین. صدوق، محمد بن علی. (بی تا). صفات الشیعه. تهران: انتشارات علمی. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۰). آموزش عقاید و دستورهای دینی (ج. ۱). تهران: بنیاد مستضعفان و جانبازان. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۳). المیزان فی تفسیر القرآن (ج. ۱۵). قم: انتشارات اسماعیلیان. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرين (ج. ۱: تحقیق احمد حسینی اشکوری). تهران: مکتبه المرتضویة. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الأمالی. قم: دار الثقافة. کراچی، ابوالفتح. (۱۳۹۴ق). معدن الجواهر و ریاضة الخواطر. تهران: مکتبه المرتضویة. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی (ج. ۸). تهران: دارالکتب الاسلامیة. مجلسی، محمدباقر. (۱۹۸۳-۱۹۸۴). بحار الانوار (ج. ۵۰ و ۵۷). بیروت: مؤسسه الوفاء. نادم، محمدحسن. (۱۳۸۸). علم امام (مجموعه مقالات). قم: دانشگاه ادیان و مذاهب. نوری، میرزااحسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

